



عقبگرد امریکا، پیشروی ایران

ر کوردشکنی صادرات نفت ایران

صادرات نفت ایران در ماه اکتبر از مرز ۲ میلیون بشکه در روز عبور کرده و به بالاترین سطح خود از سال ۲۰۱۸ رسیده است؛ داده‌ای که مؤسسات بین‌المللی آن را در شرایط بازگشت تحریم‌های شورای امنیت کم‌نظیر دانسته‌اند. این افزایش نشان می‌دهد؛ تهران شبکه فروش خود را گسترش داده و دروازه بازارهای تازه‌ای را گشوده است.

در خرداد سال گذشته با تصویب قانون موسوم به SHIPACT، امریکا کوشید بیمه، حمل‌ونقل و پرداخت نفت ایران را به‌طور کامل مسدود کند. انتظار می‌رفت این قانون، ضربه نهایی بر صادرات نفت خام وارد کند اما گزارش‌های میدانی از بنادر آسیایی نشان داد که ایران با تغییر مسیر بیمه‌گری و استفاده از شبکه واسطه‌ای، صادرات خود را حفظ کرد. اکنون پس از گذشت بیش از یک‌سال، نه‌تنها صادرات متوقف نشده بلکه رشد نسبی نیز داشته است.

در محاسبات بازار جهانی، ایران یکی از پنج صادرکننده با ثبات حجم عرضه در منطقه آسیا شناخته می‌شود. کارشناسان انرژی معتقدند ایران با «تنوع بخشی مسیرهای فروش» و استفاده از بازارهای محدود اما پایدار آسیایی، عملاً از انزوای نفتی خارج شده است. تحلیلگران بین‌المللی این موفقیت را نه محصول لغو تحریم بلکه نتیجه ساختار انعطاف‌پذیر در مدیریت فروش می‌دانند.

در گزارش‌های تحلیلی داخلی اشاره شده است که افزایش صادرات نفت خام بدون توسعه پالایشگاه‌ها، تنها دستاورد مقطعی است. اما همراهی رشد فروش با پیشرفت پروژه‌های پتروپالایشگاهی، می‌تواند پایه اصلاح مالی صنعت را شکل دهد. این نگاه به‌تدریج در وزارت نفت تثبیت شده و وزیر نیز بر آن تأکید کرده است: حفظ ثروت ملی از مسیر تبدیل نفت به سرمایه پایدار. در هفته‌های اخیر خبر احتمال تحریم صادرات متانول ایران در رسانه‌های غربی منتشر شد. وزارت نفت با واکنشی کوتاه اما صریح اعلام کرد؛ هیچ حکم رسمی در این‌باره وجود ندارد. این موضع باعث شد جو روانی پیرامون بازار پتروشیمی آرام گیرد. کارشناسان یادآور می‌شوند؛ حتی با افت قیمت جهانی متانول، صادرات محصولات شیمیایی ایران ادامه دارد و خطر توقف ناگهانی وجود ندارد.

بررسی داده‌های گمرک می‌نویز مؤید این دیدگاه است. صادرات متانول ایران در سه‌ماهه سوم سال میلادی به بیش از ۷۴ میلیون تن رسید؛ رقمی که نسبت به دوره پیشین رشد حدود ۱۸درصدی نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد سیاست تمرکز بر ادامه صادرات فرآورده‌ها، بخش پتروشیمی را از نوسانات نفتی نسبتاً مصون کرده است.

یکی از جدی‌ترین موضوعات مورد بحث رسانه‌ها، تخفیف‌های بزرگ نفتی ایران است. برخی گزارش‌های خارجی مدعی‌اند تهران برای حفظ بازارهای آسیایی مجبور شده با تخفیف‌های بی‌سابقه نفت بفروشد. اما بررسی مدل‌های قیمت‌گذاری نفت در خاورمیانه نشان می‌دهد؛ این ادعاها مبنای آماری روشنی ندارند. وزارت نفت نیز برای حفظ محرمانگی مسیر فروش، سیاست «نه تأیید، نه تکذیب» را دنبال می‌کند.

در ماه‌های گذشته، مدل فروش نفت به صورت قراردادهای بلندمدت با تأمین مالی مشترک میان خریداران و شرکت ملی نفت توسعه یافته است؛ سازوکاری که امکان تخفیف‌های شدید را کاهش می‌دهد زیرا ریسک معامله میان دو طرف تقسیم می‌شود. این روش در عمل موجب ثبات بیشتر درآمدهای ارزی شده و منعکس‌کننده چرخش از فروش اضطراری به تعامل راهبردی است.

نگاهی تاریخی به دو دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ نشان می‌دهد؛ اهداف اصلی تحریم‌های واشینگتن، کاهش صادرات نفت ایران و قطع مسیر درآمد ارزی بود. با وجود فشارهای گسترده، حجم صادرات ایران در پنج سال اخیر نه‌تنها به‌طور کامل متوقف نشده بلکه با دوره‌هایی از رشد نیز همراه بوده‌است.

در مقطع فعلی، ایران در مقایسه به سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ تقریباً دو برابر میزان آن زمان نفت صادر می‌کند. این داده‌ها نشان‌دهنده شکست ساختاری سیاست امریکاست که تصور می‌کرد؛ با محدودسازی حمل‌ونقل و بیمه کافی است. اما ایران با وجود این محدودیت‌های صادراتی، نفت را از طریق کانال‌های مختلف صادر می‌کند و در عین‌حال به افزایش تولید نفت ادامه می‌دهد تا جایگاه خود را در بازار جهانی انرژی حفظ کند. شاهد گویای این گزاره همین داده‌های است که از کاهش صادرات نفت کشور به چین و همزمان افزایش فروش خارجی خبر می‌دهد. امری که حکایت از موفقیت مدیران نفتی در استفاده از روش‌های نوین وخلاقانه در شبکه فروش دارد.

بسیاری از منابع خارجی معتقدند؛ این قوی‌ترین عملکرد صادرات در نزدیک به یک دهه‌گذشته است که بازگشت ایران به‌عنوان یک تأمین‌کننده رادارگرنز اما مهم نفت به آسیا را نوید می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت بارزترین ویژگی تجارت نفت ایران در ماه‌های اخیر تحلیل نهایی از وضعیت کنونی حاکی از آن است که اقتصاد نفتی از موقعیت مدیران نفتی در استفاده از روش‌های نوین وخلاقانه در شبکه فروش دارد.

در واقع، شبکه فروش نفت ایران در سکوت نه‌تنها بقا یافته بلکه در مدار جدیدی از انعطاف و استقلال عمل می‌کند. به همین دلیل بسیاری از کارشناسان معتقدند؛ دوره تحریم‌های نفتی در حال تبدیل به مرحله اصلاح بازار و بازیابی جایگاه تجاری ایران است. تحلیل نهایی از وضعیت کنونی حاکی از آن است که اقتصاد نفتی ایران در آستانه یک گذار ساختاری قرار گرفته است. این گذار از دو مسیر هزهمان پیش می‌رود؛ نخست، حفظ بازارهای صادراتی با روش‌های جدید و دوم، ایجاد ارزش افزوده از طریق پروژه‌های پالایشی و پتروشیمی.

رشد صادرات، کاهش وابستگی بودجه‌ای و افزایش تولید، سه شاخص مثبت در کارنامه یک‌ساله وزارت نفت است. اما چالش‌های زیربنایی همچنان پابرجاست: محدودیت سرمایه‌گذاری خارجی، فرسودگی زیرساخت‌ها و نوسان تقاضای جهانی. با این حال، با تداوم سیاست تبدیل نفت به دارایی مولد و تقویت بخش خصوصی در پروژه‌های پایین‌دستی، می‌توان انتظار داشت؛ سال ۱۴۰۵ نقطه تثبیت ساختار درآمدی نفت باشد.

پروژه‌های عمرانی نیمه‌تمام در ایران به‌گرمی چندده‌ساله در اقتصاد کشور تبدیل شده‌اند؛ گرمی که نه با تزریق بودجه باز می‌شود و نه با وعده‌های تکراری. بر اساس تازه‌ترین اعلام سازمان برنامه و بودجه، بیش از ۵ میلیون میلیارد تومان از منابع ملی در بیش از ۸۰هزار طرح نیمه‌تمام حبس شده است؛ سرمایه‌ای هنگفت که می‌توانست موتور محرک توسعه باشد اما اکنون در سازه‌های نیمه‌کاره، جاده‌های ناتمام و بیمارستان‌های نیمه‌کاره که عمدتاً با تقلای نمایندگان ادوار مجلس با هدف رای آوردن در دور بعدی بدون توجه به نیاز منطقه و آینده‌نگری و توان اجرایی دولت، تحمیل شده‌است. خاک می‌خورد.

■ ■ ■

ارزش پروژه‌های عمرانی نیمه‌تمام در کشور بنا براطلاعه سازمان برنامه و بودجه به‌بیش از ۵هزار هزارمیلیارد تومان یا ۵میلیون میلیارد تومان رسیده است. رئیس‌جمهور نیز در سفر اخیر به کردستان ارزش پروژه‌های عمرانی در کشور را ۵میلیون میلیارد تومان اعلام و انتقاد کرد که اکثر این پروژه‌ها با سفارش نمایندگان و بدون در نظر گرفتن توجیه فنی و اقتصادی آغاز شده است.

■ **۸۰هزار پروژ ه نیمه‌تمام عمرانی**

پروژه‌های عمرانی نیمه تمام، نمادی از ناکارآمدی مدیریتی و خروج منابعی است که می‌توانست در خدمت اقتصاد قرار گیرد. آمارهانشان می‌دهد بیش از ۸۰هزار پروژه نیمه‌تمام عمرانی در سراسر کشور وجود دارد که بخش عمده آنها به دلیل کمبود منابع، تأخیر در تخصیص اعتبارات و بی‌نظمی در پرداخت‌ها متوقف مانده است. با توجه به کسری بودجه، دولت چاره‌ای جز مشارکت و جذب سرمایه ندارد؛ با این حال پرداخت‌های نامنظم و رفتار مالی ناعادلانه دولت با پیمانکاران پروژه‌ها، باعث شده تا انگیزه‌ای از سوی آنها برای مشارکت وجود نداشته باشد.

در شرایطی که پیمانکاران از دولت طلبکارند اما بررسی‌ها نشان می‌دهد؛ مالیات، بیمه و جرایم پیمانکاران از سوی دولت به صورت نقدی و بدون تأخیر دریافت می‌شود. همین رفتار باعث بی‌اعتمادی، خروج سرمایه‌گذاران و رکود پروژه‌های زیرساختی شده است. از طرفی دیگر در پرداخت غیرنقدی نیز مشکلاتی وجود دارد. دولت اغلب بدهی‌های خود را با اوراق خزانه و مراحه می‌پردازد در مقابل پیمانکار برای تأمین نقدینگی و در حالی که تمام پرداخت‌هایش به کارگران و تأمین‌کنندگان باید نقدی باشد مجبور است این اوراق را زیر قیمت بفروشد.

■ **مشکل بی‌نظمی در تخصیص بودجه عمرانی**

مهدی دانشمند، استاد دانشگاه با اشاره به اینکه مشکل

۵میلیون میلیارد تومان بودجه کشور اسیر پروژه‌های نیمه‌تمام است

کلاف سردرگم نمایندگان ادوار در پروژه‌های عمرانی

واگذاری پروژه‌ها به بخش خصوصی در شرایطی مؤثر است که بسته حمایتی شامل ایجاد ضمانت‌های چندلایه، شفاف‌سازی مالکیت و اصلاح نظام تأمین مالی

از طریق ابزارهای نوین و نهادهای تخصصی در نظر گرفته شود در غیر این صورت تمابلی از بخش خصوصی برای مشارکت وجود نخواهد داشت

را برای ورود به طرح‌های اقتصادی داشته باشد. وی ادامه داد: متأسفانه به علت ریسک بالای بازار و تورم مزمن، سرمایه‌گذار خصوصی تمایلی به مشارکت ندارد. این مسئله باعث شده بسیاری از پروژه‌های بزرگ کشور، از نفت‌گاز گرفته تا انرژی، آب‌وپرق، نیمه‌کاره بمانند.

حاج اسماعیلی تصریح کرد؛ اکنون دولت منابع کافی برای تأمین مالی پروژه‌های بزرگ ندارد و ناچار شده تکیه اصلی بودجه را بر مالیات بگذارد؛ در حالی که درآمد مالیاتی را هرگز نمی‌تواند پروژه‌های عمرانی و زیربنایی را پوشش دهد.

این کارشناس اضافه کرد؛ به همین دلیل، کشور بیش از هر زمان دیگری به جذب سرمایه‌گذاری خصوصی و البته خارجی نیاز دارد. از نسوی دیگر، اگر دولت بتواند ثبات اقتصادی ایجاد کند از جمله کنترل تورم، تثبیت نرخ ارز و کاهش ریسک‌های بازار بخش خصوصی نیز تمایل پیدا می‌کند؛ سرمایه خود را به‌جای خرید طلا یا دلالی، به سمت فعالیت‌های تولیدی و خدماتی بیاورد. اما شرط این کار، ایجاد امنیت اقتصادی و پیش‌بینی‌پذیری در سیاست‌هاست.

■ **پروژه‌هایی که هر ثانیه ۷/۶میلیارد تومان می‌بلند**

تعداد طرح‌های نیمه تمام ملی برابر هزار و ۸۸۰ طرح است که با توجه به اعتبار سال‌های بعد طرح‌ها در قانون بودجه سال جاری، برای خاتمه آنها به اعتباری در حدود ۴هزار همت نیاز است. اگر این پول خواهد در یک سال هزینه شود، هر ثانیه باید ۷/۶ میلیارد تومان پرداخت داشته باشیم. بر اساس اعلام سازمان برنامه و بودجه، تعداد طرح‌های نیمه تمام استانی بالغ بر ۵هزار و ۵۰۰ طرح می‌باشد که با توجه به برآوردها، برای خاتمه آنها به اعتباری در حدود ۴۰۰هزار میلیارد تومان (۴۰۰همت) نیاز است. لازم به ذکر است این اعتبار بر قیمت امروز بوده و با گذشت زمان و تورم مبلغ مورد نیاز برای خاتمه طرح‌ها افزایش می‌یابد.

رها شیدن پروژه‌های نیمه تمام عمرانی به معنای آن است که میلیاردها تومان پولی که می‌توانست صرف رونق و توسعه یک منطقه شود، در قالب یک پروژه نیمه تمام منجمد شده و از چرخه خدمت‌رسانی و تولید خارج شده است. دولت باید ضمن پاسداشت قراردادهای مشارکت، از منافع سرمایه‌گذاران محافظت کرده و زمینه بازگشت و جذب سرمایه‌های جدید را فراهم کند. اگر قرار باشد پروژه‌های زیربنایی کشور دهمها در پیچ و خم اعتبارات و ترسک فعل‌ها گرفتار شوند، سخنان مسئولان درباره تسریع در اجرای پروژه‌ها فقط در حد یک آرزو باقی خواهد ماند.



علی بوردهان جوان

بودجه عمرانی اولویت دولت‌ها نبوده و همین حالا در برنامه هفتم توسعه نیز هذغذگاری پروژه‌های عمرانی به سمت کاهش سوق پیدا کرده‌است.

■ **دولت انگیزه مشارکت بخش خصوصی را ایجاد کند**

این کارشناس اقتصادی با اشاره به اینکه اولویت دولت بیشتر پرداخت هزینه‌های جاری از جمله حقوق و یارانه و... است؛ افزود؛ واگذاری پروژه‌های نیمه‌تمام به بخش خصوصی واقعی، پیشنهادی است که همواره توصیه شده اما باید توجه داشت که تحقق این مسئله در گرو رعایت مواردی است که حضور سرمایه‌گذار برای ماندگاری در پروژه را توجیه‌پذیر کند.

حیدرجاح اسماعیلی، کارشناس اقتصادی نیز رشد و توسعه هر کشوری را وابسته به سرمایه‌گذاری دانست و گفت: هزاران پروژه نیمه‌تمام در کشور وجود دارد که به‌دلیل کمبود سرمایه متوقف مانده و همین موضوع

زیان‌های سنگینی به اقتصاد وارد کرده است.

■ **امنیت اقتصادی راهکار جذب مشارکت سرمایه‌گذاران**

حیدرجاح اسماعیلی، کارشناس اقتصادی نیز رشد و



پروژه را فراهم کنند.

به طور مثال یک پروژه کلیدی و راهبردی کشور، پتروپالایشگاهسازی است. امتیازاتی که در این مدل می‌تواند به شرکت سهام عام پروژه تعلق گیرد و به عموم مردم انتقال یابد؛ یک مورد مجوز تنفس خوراک به اندازه سرمایه‌گذاری اولیه است که این مجوز به شرکت سهام عام پروژه پتروپالایشگاهی اجازه خواهد داد که به اندازه ۴۰۰روز خوراک بدون هزینه تحویل گیرد و در شروع

بهره‌برداری از پتروپالیشگاه و یک سال ابتدایی با جریان مثبت بسیار زیادی مواجه خواهد شد که پس از این مدت سهامداران ممتاز سودی این سهام پروژه و پیمانکار نیز سهام‌داران ممتاز مدیریتی سهام پروژه خواهند شد. دولت نیز رگولاتور و تسهیل‌کننده سودهی پروژه است تضمینی سرمایه‌گذاری خود را در یافت خواهند کرد و پیمانکار نیز با سهام مدیریتی خود، به ساخت پروژه و تضمین سود مردم خواهند پرداخت.

از طرف دیگر مردم در این مدل مشارکت مستقیمی در توسعه خواهند داشت و سودهی شرکت سهام عام پروژه از تمام بازارهای موازی تولید و حتی دلار و ارز نیز بالاتر خواهد بود زیرا دولت امتیازات ویژه‌ای به این پروژه‌ها که مردم سهامدار اصلی آن هستند؛ تخصیص این پروژه‌های نیمه‌تمام، با سفارش نمایندگان هر شهر و بدون درنظر گرفتن توجیه فنی و اقتصادی آغاز شده است.

با توجه به ماهیت سیاسی پروژه‌های تعریف شده در استان و فشاری که از منابع بودجه برای تخصیص منابع در این پروژه‌ها تعریف می‌شود؛ به جای اینکه دولت به سمت زخمی کردن تأمین مالی پروژه‌ها با تخصیص قطره‌چکانی آن برود؛ باید به سمت مدل جدیدی از توسعه زیرساختی کشور، حرکت کرد؛ تسهیم پروژه‌های عمرانی به مردم و معرفی پیمانکار غیردولتی پروژه مذکور و همچنین اعطای امتیازات ویژه مدیریتی بر پروژه توسعه‌ای به شرکت سهام عام پروژه، زمینه تأمین مالی مردمی

بیش از ۵میلیون میلیارد تومان پروژه عمرانی نیمه‌تمام در کشور وجود دارد و بخش قابل توجهی از این طرح‌ها به دلیل وابستگی به بودجه دولتی و تصمیمات سیاسی سال‌ها در پلاکتلفی مانده‌اند، اما الگوی تازه‌ی این پروژه‌ها، به سمت تسهیلمگری و تنظیم‌گری در روابط بین مردم و پیمانکار پروژه در این مدل راهبردی می‌رود.

این مدل کلیدی وویژگی‌هایی که در آن بیان شده؛ مبتنی بر مدل شرکت سهام عام پروژه است که در آن مردم سهامداران ممتاز سودی این سهام پروژه و پیمانکار نیز سهام‌داران ممتاز مدیریتی سهام پروژه خواهند شد. دولت نیز رگولاتور و تسهیل‌کننده سودهی پروژه است تضمینی سرمایه‌گذاری خود را در یافت خواهند کرد و تمامی ۱۰میلیون ایرانی انتقال خواهد یافت چون تمامی مردم سهامدار این پروژه هستند.

مبتنی بر مدل شرکت سهام عام پروژه دیگر شاهد تعریف پروژه غیراقتصادی و سیاسی نیستیم و به صورت قطره تأمین مالی شود و پروژه‌های زیرساختی راهبردی کشور با سرمایه‌گذاری مردم و ساخت ازسوی شرکت‌های غیردولتی کلید خواهد خورد و مردم از این محل سود تضمینی سرمایه‌گذاری خود را در یافت خواهند کرد و پیمانکار نیز با سهام مدیریتی خود، به ساخت پروژه و تضمین سود مردم خواهند پرداخت.

از طرف دیگر مردم در این مدل مشارکت مستقیمی در توسعه خواهند داشت و سودهی شرکت سهام عام پروژه از تمام بازارهای موازی تولید و حتی دلار و ارز نیز بالاتر خواهد بود زیرا دولت امتیازات ویژه‌ای به این پروژه‌ها که مردم سهامدار اصلی آن هستند؛ تخصیص این پروژه‌های نیمه‌تمام، با سفارش نمایندگان هر شهر و بدون درنظر گرفتن توجیه فنی و اقتصادی آغاز شده است.

با توجه به ماهیت سیاسی پروژه‌های تعریف شده در استان و فشاری که از منابع بودجه برای تخصیص منابع در این پروژه‌ها تعریف می‌شود؛ به جای اینکه دولت به سمت زخمی کردن تأمین مالی پروژه‌ها با تخصیص قطره‌چکانی آن برود؛ باید به سمت مدل جدیدی از توسعه زیرساختی کشور، حرکت کرد؛ تسهیم پروژه‌های عمرانی نباشد و از همه مهم‌تر اینکه تحقق بودجه بدون نفت و کوچک‌سازی دولت نیز انجام خواهد شد. در این مدل که مبتنی بر تعامل با بخش غیردولتی است؛

با اجرای شرکت سهام عام پروژه با تضمین کف سود

پایانی بر وابستگی توسعه به بودجه دولت

پروژه در کاهش بودجه‌محوری و تحقق مردم‌محوری در توسعه کشور خاطر نشان کرد؛ مدل‌های سنتی تأمین مالی در ایران عمدتاً بر پایه به‌تکا به بودجه عمومی یا در بهترین حالت، استفاده از منابع بانکی و تسهیلات داخلی استوار بوده‌اند. این در حالی است که ظرفیت نقدینگی در اختیار مردم، طبق آمارهای رسمی، به بیش از ۱۰هزار هزارمیلیارد تومان رسیده است. یعنی حتی اگر تنها چند درصد از این نقدینگی به سمت پروژه‌های زیرساختی و توسعه‌ای هدایت شود، بخش بزرگی از کمبود منابع کشور جبران خواهد شد. اما این امر زمانی محقق می‌شود که مردم احساس امنیت و اطمینان از بازگشت سرمایه و سود منطقی داشته باشند.

اقبالی افزود؛ مدل شرکت سهام عام پروژه دقیقاً برای پاسخ به همین نیاز طراحی شده است. در این مدل، پروژه‌های بزرگ ملی در قالب شرکت‌هایی با سهام

عام تعریف می‌شوند. مردم به‌صورت مستقیم سهام‌دار این پروژه‌ها می‌شوند و به همان اندازه‌ای که در توسعه کشور نقش دارند، از سود آن نیز بهره‌مند می‌شوند. به این ترتیب، توسعه از حالت دولتی و دستوری به حالتی مردمی و مشارکتی تغییر می‌یابد. وی در پایان گفت: طبق آمار رسمی، درحال حاضر بیش از ۱۰هزار پروژه نیمه‌تمام در کشور وجود دارد که برای تکمیل آنها به هزاران هزارمیلیارد تومان اعتبار نیاز است. روشن است

که دولت به‌تنهایی قادر به تأمین این منابع نیست. اما اگر هر یک از این پروژه‌ها در قالب شرکت سهام عام پروژه با تعرفیه شود و مردم سهام‌دار آن شوند، بخش بزرگی از این معضل قابل حل خواهد بود. پروژه‌هایی مانند آزادراه‌ها، بیمارستان‌های منطقه‌ای و نیروگاه‌های محلی، خطوط مترو، تصفیه‌خانه‌های و زیرساخت‌های انرژی، همگی قابلیت واگذاری در قالب شرکت سهام عام پروژه را دارند. در شرایطی که بودجه‌های عمرانی دولت به‌دلیل فشار هزینه‌های جاری، کاهش درآمدهای نفتی و محدودیت‌های ارزی، هر سال کوچک‌تر می‌شود؛ نیاز به مدل‌های نوین تأمین مالی مبتنی بر سرمایه‌های مردمی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. یکی از مهم‌ترین و نوآورانه‌ترین این مدل‌ها، شرکت سهام عام پروژه است؛ مدلی که می‌تواند نه‌تنها کمبود منابع را جبران کند، بلکه با جلب اعتماد عمومی و تضمین سود عادلانه، رویکرد جدیدی در حکمرانی اقتصادی کشور باشد. وی با اشاره به تحول شرکت سهام عام خلق ارزش واقعی سوق می‌دهد.